



قدیمی‌ها آنها را یادگاران دوران طلایی سینما و تئاتر می‌دانستند که بیراه نبود. نسلی هم که نوجوانی‌اش با دهه‌های ۶۰ و ۷۰ همزمان شده بود، سینما را با آثاری کشف کرد که این پنج نفر چهره‌های اصلی‌اش بودند

چرا این ۵ نفر در سینما - تلویزیون ما محبوب اند؟

روزگار سپری شده، مردان سالخورده



کشف کرد که این پنج نفر چهره‌های اصلی‌اش بودند. خانه‌نشینان هم با فیلم‌های ظهر جمعه و سریال‌های پرطرفداری مثل سربداران، هزارستان، پدرسالار، عطر گل یاس، آوای فاخته و پهلوانان نمی‌میرند دل به این بازیگران سپرده بودند. خوش بختانه این نسل عمر طولانی‌ای هم کرد و وقتی بحث بازخوانی دوره‌های مختلف تئاتر و سینما ادبیات پیش آمد، این پنج نفر و هم‌نسلان‌شان (مثل جعفر والی) به حق حکم یادگاران دوران مهمی را یافتند که هرچه می‌گذشت قدر و قیمت بیشتری پیدا می‌کرد. آنها دیگر نه مجهز به دانسته‌های تاریخی بلکه خود تاریخ بودند. می‌توانستند از تئاتر سنگلج و بنیاد رودکی و گروه آناهیتا و تئاتر سعدی تا ساعدی و بزرگ علوی و نوشین سخن و خاطره بگویند. یک کلام؛ هنر و فرهنگ ایران طی دهه‌های ۴۰ تا اواخر ۷۰ به دلایل متفاوت در هر مقطع، ارتباط تنگاتنگی با حیات اجتماعی و فرهنگی مردم یافت و بازیگران مهمی که توانستند در کل این دوران دوام بیاورند، بخش‌هایی از حافظه جمعی ایرانیان را ساختند و (با توجه به طیف گسترده‌تر مخاطبان سینما و تلویزیون نسبت به موسیقی و هنرهای تجسمی) به نمادهای فرهنگ و هنر این سرزمین بدل شدند. به همین دلیل در نگاه کلی بین منشی و منش شخصی این پنج نفر تفاوتی نبود. شاید فقط مخاطبان جدی سینما انتظامی‌را بابت سختگیری‌هایش در انتخاب نقش می‌ستودند و از برخی انتخاب‌های چهارنفر دیگر گله می‌کردند. چون حساب این افراد به نوعی از آثارشان جدا بود. ضعف آثار کارنامه‌های‌شان به پای آنها نوشته نمی‌شد و البته نباید از این نکته گذشت که آنها هم در هر اثر سینمایی یا تلویزیونی با نهایت توان حاضر می‌شدند و با کم گذاشتن و ساده گرفتن «برخی نقش‌ها» و «برخی کارها» بیگانه بودند. این روحیه هم از تربیت هنری درستی خبر می‌داد که باز نسبی‌ش به روزگار آموزش دیدن و تجربه کردن آنها بازمی‌گشت؛ به مهم‌ترین عنصر شکل‌دهنده شخصیت و طرز فکر و نگاه یک هنرمند؛ دوران.

سینمای ما در یکی از مهم‌ترین مقاطع تاریخ این سرزمین نقش آفرینی کردند. در دهه ۶۰ که سینما همه سهم مردم این دیار بود از سرگرمی حتی تلویزیون هم فاصله امروز را با هنر هفتم نداشت و فیلم‌های ممدتی کوتاه پس از اکران غروب‌های جمعه مردم را می‌ساختند و به خانه‌ها راه می‌یافتند، اما این پایان قصه نبود. نسل فیلمسازان پس از انقلاب مثل رخشان بنی‌اعتماد، مسعود جعفری جوزانی، محسن مخملباف، ابراهیم حاتمی‌کیا و رسول صدرعاملی هم کارشان را آغاز کرده بودند و طبیعی بود که وسوسه و سودای همکاری با این نسل طلایی‌های‌شان نکند. دهه‌های ۶۰ و ۷۰ دوران تحقق این رؤیا هم بود.

به این ترتیب پنج نفر سینمای ایران برای هر نسل به دلایلی جداگانه محبوب شدند. قدیمی‌ها آنها را یادگاران دوران طلایی سینما و تئاتر می‌دانستند که بیراه نبود. نسلی هم که نوجوانی‌اش با دهه‌های ۶۰ و ۷۰ همزمان شده بود، سینما را با آثاری



تعارف را کنار بگذاریم. هنرمند فرزندان است و آثار هنری سند وضعیت فرهنگی زمانه‌شان. استعداد همان قدر که نابودشدنی‌ست، می‌تواند پرو بال هم بگیرد و رشد کند. ما نام‌های کیمیایی، مهرجویی، بیضایی، آوانسیان، مثقالی، ممیز، شهید ثالث و... را با احترام می‌بریم و از درخشش تعدادی از آنها در جوانی و پیش از سی‌سالگی به عنوان سندی از استعدادشان یاد می‌کنیم. بله، استعداد این هنرمندان انکارناشدنی‌ست اما با مرور بر تاریخ تولدشان می‌بینیم اکثر این‌ها دور و بر سال ۱۳۲۰ به دنیا آمده‌اند و جوانی‌شان در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ گذشته است. دهه‌ای که جامعه و به تبع آن فرهنگ و هنر این دیار از زیر بار عواقب دردناک کودتای ۲۸ مرداد در دهه ۳۰ بیرون آمده و به سنت همیشگی «فرج بعد از شدت» در

این سرزمین دوباره کمر راست کرده است. به همین دلیل با وجود تفاوت بسیار بین آثار این بزرگان برای هر یک حرمت قائلیم. چون خود را مواجه با فردی می‌بینیم که از دل کمی آسوده‌تر بالیدن و رهاتر آفریدن شکل گرفته و قوام یافته است. این نام‌ها متعلق به دوران راه افتادن کارگاه نمایش، تالار رودکی، کانون پرورش فکری و آغاز دوران طلایی دانشکده هنرهای زیبا با بیضایی، رفیعی، سمندریان و پرویز ممنون‌اند. فضا برای تجربه کردن مهیاتر از قبل شده و جوانان مستعد امکان آزمون و خطا یافته‌اند. فیلم‌های نخست کیمیایی، مهرجویی و فرمان‌آرا مطلقاً موفق نبودند، اما مانعی برای ساخت فیلم دوم پیش پای‌شان قرار نگرفت. اجباری برای استفاده از فلان بازیگر نداشتند و مهرجویی بیست و چندساله فرصت یافت به خواست و میل خود به اداره تئاتر برود و فعالان آن عرصه را به تصویر فرابخواند. (چنان که کیمیایی برای قیصر و فرخ غفاری برای شب قوزی هم سراغ مشایخی و کشاورز رفتند).

بازیگرانی که اینک به پنج نفر سینمای ایران مشهور شده‌اند عمدتاً متولد پیش از ۱۳۱۵ اند و در میانسالی وارد سینما شدند و تا زمان انقلاب تعداد نقش‌های مکملی که بازی کردند از نقش‌های اصلی‌شان بیشتر بود. کنار گذاشتن ستاره‌های سینمای پیش از انقلاب و تغییر جنس تولیدات در دوران جدیدی که از راه رسید، شرایط را برای این پنج نفر مهیا کرد تا در یکی دیگر از مقاطع مهم تاریخ سینمای ایران یعنی دهه ۶۰ در کانون توجه قرار بگیرند. دهه‌ای که مهم بود چون همه خواهان تولیدات تازه و متفاوت سینمای ایران بودند. از آن طرف فیلمسازان دهه ۴۰ مثل تقوایی، مهرجویی، بیضایی و حاتمی هم به پختگی رسیده و آماده ساختن بهترین و مهم‌ترین فیلم‌های کارنامه‌شان بودند. قصه اصلی این نسل در سینما از این‌جا آغاز می‌شود. آنها در بهترین فیلم‌های بهترین فیلمسازان تاریخ

به یاد بهترین‌های بازیگری ایران

امروز که شما این یادداشت را می‌خوانید ۲۴ ام فروردین است. دو روز دیگر یعنی بیست و ششم اولین ماه سال، استاد محمدعلی کشاورز ۸۹ ساله می‌شود. به این فکر کردیم که این تولد بهانه خوبی است تا این شماره از قاب کوچک را به محمدعلی کشاورز و دوران مختلف بازیگری‌اش اختصاص دهیم. به همین خاطر از همان اواسط نوروز برای مصاحبه با پدرسالار تلویزیون ایران اقدام کردیم. ایشان هم به ما لطف داشتند و همه چیز داشت خوب پیش می‌رفت که ناگهان در شب ۱۳ فروردین خبر فوت دوست و همکار قدیمی آقای کشاورز منتشر شد. درگذشت جمشید مشایخی باعث شد شرایط روحی رفیق و همبازی دیرینه‌اش تغییر کند و تا آخرین لحظه، خبری از مصاحبه نباشد. این شرایط محمدعلی کشاورز و فوت جمشید مشایخی باعث شد به ویژه‌نامه‌ای برای هر پنج اسطوره مرد بازیگری فکر کنیم. ویژه‌نامه‌ای که در آن به سراغ یادگارا و کارنامه تک‌تک این اساتید برویم و ضمن تقدیر از هر کدام دوباره به این سؤال که چرا این پنج نفر اسطوره هستند پاسخ دهیم.

خودمان هم می‌دانیم که بحر را نمی‌شود در کوزه گنجاند و چنین ادعایی هم نداریم؛ از این رو، ترجیح دادیم به جای این که تمام آثار و عملکرد این اساتید را به شکل سراسری و ناقص بررسی کنیم، سراغ گوشه‌ای از زندگی هر کدام برویم، چرا که عظمت این بزرگان به قدری است که با چند جلد کتاب هم نمی‌شود به شکل دقیق و درست آنچه را که انجام داده‌اند، بررسی کرد. سعی کردیم برای هر کدام از پنج نفر سینمای ایران کاری متفاوت و شایسته انجام دهیم.

روز چهارشنبه، درست زمانی که درگیر بخش‌های نهایی قاب کوچک بودیم، استاد کشاورز لطف کردند و شرایط مصاحبه را فراهم آوردند و برخلاف پیش‌بینی‌های قبلی مصاحبه ایشان به مطالب ما اضافه شد. امیدوارم بخوانید و لذت ببرید.